

بررسی الگوهای توسعه اقتصادی مبتنی بر اشتغال و کارآفرینی در مناطق روستایی ایران (با تاکید بر نمونه‌های منتخب داخل و خارج کشور)

غلامرضا عباسی^{۱*}

حمید کاکائی^۲

چکیده

امروزه شکل‌گیری کارآفرینی به خصوص در نواحی روستایی نیازمند فراهم بودن بسترها و زمینه‌هایی است؛ به عبارت دیگر، توسعه کارآفرینی مشروط به وجود ظرفیت‌های کارآفرینانه در فضاهای جغرافیایی و همچنین بین نیروهای انسانی فعال مستقر در آن است. در نواحی روستایی مسلماً ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی نهفته است که با شناسایی آنها می‌توان فعالیت‌های متنوعی در زمینه‌های کشاورزی، گردشگری، ورزش، صنایع دستی و ... در روستاها انجام داد و در نتیجه نابرابری‌های درآمدی و بیکاری را کاهش داد و راه توسعه اقتصادی روستایی را فراهم کرد. تحقیق حاضر با تاکید بر نقش کارآفرینی در مناطق روستایی به بررسی الگوهای توسعه اقتصادی مبتنی بر اشتغال و کارآفرینی در مناطق روستایی ایران با تاکید بر نمونه‌های منتخب داخل و خارج کشور پرداخته است. تحقیق حاضر، متناسب با هدف کاربردی، از نوع توسعه‌ای است. از نظر ماهیت و روش، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی از نوع پیمایشی و از لحاظ وسعت، پهنانگ است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از طریق ترکیبی از روش‌های اسنادی-کتابخانه‌ای به دست آمده است و ضمن بررسی سوابق موضوع، گزارشات و اسناد بالادست بررسی شده است. نتیجه گرفته شد که تشویق روستاییان برای گرایش به کارهای تجاری به شیوه کارآفرینی مناسب‌ترین راهبرد برای پاسخگویی به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی است. کارآفرینی به منزله یکی از راه‌های مهم ارتقای توسعه مناطق روستایی ظاهر شده است و به همین دلیل راهی برای احیای مجدد روستاها است.

واژگان کلیدی

کارآفرینی روستایی، توسعه اقتصادی، مناطق روستایی.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

gabbasi955@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد سنجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

hamidkakaei306@yahoo.com

مقدمه

از دیدگاه نظام مند، فضاهاى روستایی در واقع بخشی از زیر عناصر اصلی و تأثیر گذار در سطح قلمرو ملی محسوب می-شوند که در آن مدیریت رابطه و پیوند انسان روستایی با محیط و فعالیت‌ها، شکل خاصی به عرصه‌های روستایی بخشیده و آن را از سایر سکونتگاه‌ها و الگوهای زندگی متفاوت ساخته است. در این راستا می‌توان گفت که روستا پدیده‌ای است فضا- مکانی که دارای هویت مستقل و روابط وسیع پیرامونی است. روستا در نظام منطقه‌ای یک جزء از کل یک منطقه است که کم و بیش به صورت فعال به ایفای نقش خود در قالب روابط درون و برون منطقه‌ای می‌پردازد. در این نظام روستا دارای رفتار مشخصی است که از نقش اجتماعی، اقتصادی و قدرت ارتباطی آن در یک فضای فراتر از خود نشأت می‌گیرد. در این صورت هر یک از روستاها نقاط مستقلى هستند که به وسیله شبکه‌ای از ارتباطات با هم و با نقاط شهری هویت و معنا می‌یابند (کورانتین^۱، ۲۰۰۵: ۱۴۶).

توسعه روستایی در مفهوم کلی آن به مجموعه‌ای از فعالیت‌های کنشگران متعدد (افراد، سازمان‌ها و گروه‌ها) اطلاق می-شود که در تعامل با یکدیگر منجر به تغییر، بهبود و پیشرفت در نواحی روستایی می‌شوند. از نگاه منطقه‌ای می‌توان گفت توسعه روستایی بخشی از توسعه همه جانبه در کلیه سطوح اقتصادی، اجتماعی، نهادی، محیطی و کالبدی است و صرفاً به معنی معکوس ساختن روند توسعه و برنامه‌ریزی از سکونتگاه‌های شهری به سمت مناطق روستایی نیست، بلکه به دلیل ارتباط تنگاتنگ، این دو فضا مکمل یکدیگر به‌شمار می‌روند و با توجه به اصل مکمل بودن مکان‌ها، توسعه ملی و منطقه‌ای بدون توسعه روستایی مفهومی نخواهد داشت (نوری، ۱۳۹۶).

توسعه روستایی فرآیندی جامع و چندبعدی است و زمانی تحقق می‌یابد که به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، نهادی و محیطی، کالبدی و زیربنایی آن توجه لازم صورت پذیرد. در واقع توسعه روستایی تنظیم و اجرای برنامه‌هایی است که شرایط زندگی ساکنان مناطق روستایی را بهبود ببخشد؛ به طوری که با شناسایی، سازماندهی و بسیج منابع مذکور، حداکثر استفاده از قابلیت‌های موجود در روستاها به عمل آید (عزیزپور و محسن‌زاده، ۱۳۸۸).

استراتژی جدید توسعه روستایی که توسط سازمان ملل متحد ارائه شده است با عنایت به چالش‌های جهانی، سیاست‌های منطقه‌ای و تجربیات حاصل از شش دهه برنامه‌ریزی روستایی در کشورهای در حال توسعه، با رسالت کاهش فقر روستایی و اهداف استراتژیک حمایت از فقرا و نهادهای محلی روستایی، تسهیل فرآیند رشد اقتصادی روستاها از طریق حذف موانع، دسترسی بهینه به اعتبارات، منابع طبیعی، دارایی‌های تولیدی و نیز کاهش آسیب‌پذیر فقرا به اجرا گذاشته است.

به عبارتی هر نوع فعالیت توسعه‌ای در روستاها مستلزم پاسخ‌گویی به دو مشکل عمده و اساسی بیکاری و فقر است. روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای روبه‌رو هستند؛ بنابراین، تضمین و تداوم حیات و بقای روستاها نیازمند یافتن راه‌حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات هستند که به نوآوری و ابداع فرآیندها و روش‌های

^۱. Kurantin

جدید بستگی دارد؛ بنابراین توسعه اقتصادی روستایی در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌ای با مفهوم کارآفرینی دارد (پاسبان، ۱۳۸۳).

مؤسسات و شخصیت‌های رواج دهنده توسعه روستایی، کارآفرینی را به منزله یک مداخله راهبردی می‌دانند که می‌تواند فرآیند توسعه اقتصادی روستایی را تسریع بخشد. کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغل و تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی (از جمله ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت، رقابت‌پذیری و ...) پیش‌زمینه اساسی برای ارتقای سطح توسعه جامعه را فراهم می‌کند. روستاها نیز همچون شهرها مملو از فرصت‌های جدید و کشف نشده هستند که کشف و بهره‌برداری به‌موقع از این فرصت‌ها و ایجاد کسب‌وکارهای جدید و رقابت‌پذیر بر مبنای آن، می‌تواند مزایای چشم‌گیری برای روستاییان به‌همراه آورد (امینی، ۱۳۸۷: ۲)؛ بنابراین اکنون توسعه روستایی بیش از گذشته با پدیده کارآفرینی مرتبط است؛ زیرا کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی و تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی (از جمله ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت‌پذیری و ...) پیش‌زمینه اساسی برای ارتقای سطح توسعه جامعه است. کارآفرینی فرآیندی است که در آن کارآفرین فعالیت‌های اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع کند (هیدن^۱، ۲۰۰۱: ۱۲۵).

اما باید توجه داشت که شکل‌گیری کارآفرینی نیازمند فراهم بودن بسترها و زمینه‌هایی است؛ به عبارت دیگر، توسعه کارآفرینی مشروط به وجود ظرفیت‌های کارآفرینانه در فضاها و جغرافیایی و همچنین بین نیروهای انسانی فعال مستقر در آن است. در نواحی روستایی مسلماً ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی نهفته است که با شناسایی آنها می‌توان فعالیت‌های متنوعی در زمینه‌های کشاورزی، گردشگری، ورزش، صنایع دستی و ... در روستاها انجام داد و در نتیجه نابرابری‌های درآمدی و بیکاری را کاهش داد و راه توسعه اقتصادی روستایی را فراهم کرد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶).

کارآفرینی روستایی تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد. کارآفرینان روستایی همان ویژگی‌هایی را دارند که کارآفرینان سایر مناطق دارند. حتی به دلیل بالا بودن ریسک در فعالیت‌ها و محیط‌های روستایی و همچنین کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی کارآفرینان روستایی باید به مراتب از قدرت ریسک‌پذیری بیشتری نسبت به سایرین برخوردار باشند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

کارآفرینی روستایی عبارت است از: «ایجاد سازمانی جدید که تولیدی تازه یا خدماتی جدید را معرفی کند و یا بازار جدیدی را به وجود آورد، یا از تکنولوژی جدید در محیط روستایی استفاده کند» (هریوت^۲، ۲۰۰۲: ۲). کارآفرینی روستایی یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال و همچنین دارای عناصر پایه‌ای است که تمرکز عمده بر آنها بر فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی روستا، کاهش فقر و تسریع زمینه‌های رشد روستایی را به‌دنبال دارد (فرجی‌سبکیار، ۱۳۹۰: ۵۶).

^۱.Hyden

^۲.Heriot

کارآفرینی اجتماعی در مناطق روستایی مبین پیگیری مسائل اجتماعی از طریق راهکارهای نوآورانه برای بسیج ایده‌ها، ظرفیت‌ها، منابع و نهادهای اجتماعی مورد نیاز برای گذر اجتماعی متوازن است. کارآفرینان اجتماعی می‌توانند به توسعه یک زیست‌بوم کارآفرینانه و الگوی توسعه کسب و کار پایدار در مناطق روستایی مبتنی بر بهره‌مندی از فرصت‌های خاص این مناطق در راستای نیازهای واقعی جوامع روستایی یاری رسانند. جهان تاکنون شاهد تجربه‌های موفقیت آمیز متعددی در زمینه کارآفرینی اجتماعی بوده است. بسیاری از کسب و کارهای اجتماعی، موفقیت‌های قابل توجه‌ای را برای توانمندسازی جوامع فقیر محلی داشته‌اند. آگاهی از این تجربه‌ها می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاران در سیاست‌گذاری توانمندساز متناسب فقرا و نیز کارآفرینان و سرمایه‌گذاران در توسعه کسب و کارهای اجتماعی در مناطق محروم باشد (شریفی و پیش‌بین، ۱۳۹۴).

پژوهش حاضر، متناسب با هدف کاربردی، از نوع توسعه‌ای است. از نظر ماهیت و روش، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی از نوع پیمایشی و از لحاظ وسعت، پهناگر است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از طریق ترکیبی از روش‌های اسنادی- کتابخانه‌ای به دست آمده است و ضمن بررسی سوابق موضوع، گزارشات و اسناد بالادست بررسی شده است.

مروری بر ادبیات تحقیق

- بررسی رویکردهای نظری توسعه روستایی (کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و جامع و ...)

به‌طور کلی، رویکردهای به کار رفته در زمینه توسعه روستایی را می‌توان به چهار دسته رویکردهای اقتصادی، رویکردهای اجتماعی، رویکردهای کالبدی- فضایی و رویکردهای جامع طبقه‌بندی کرد. متناسب با هر یک از این رویکردها، راهبردهای متعددی به کار رفته است. در رویکرد اقتصادی، «راهبرد توسعه‌ی کشاورزی» (انقلاب سبز)، «راهبرد اصلاحات ارضی» و «راهبرد صنعتی‌سازی روستاها» قابل تشخیص است. راهبردهای «تأمین نیازهای اساسی»، «مشارکت در توسعه روستایی» و «توسعه ریزی مراکز روستایی»، «راهبرد توسعه روستا- شهری»، «راهبرد نقش کارکردهای شهری در توسعه- اجتماعات محلی» به رویکرد اجتماعی مربوط می‌شود. برای رویکرد کالبدی و فضایی، «راهبرد برنامه روستایی»، قابل تشخیص است. «راهبرد توسعه روستایی همه جانبه یا یکپارچه روستایی» و «راهبرد توسعه پایدار» از جمله راهبردهایی هستند که رویکرد جامع نسبت به برنامه‌ریزی توسعه روستایی دارند.

جدول (۱): رویکردها و راهبردهای برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران

رویکردهای اقتصادی	رویکردهای اجتماعی	رویکردهای کالبدی-فضایی	رویکردهای جامع
راهبرد اصلاحات ارضی	راهبرد تأمین نیازهای اساسی	راهبرد مراکز رشد روستایی	-
راهبرد توسعه‌ی کشاورزی (انقلاب سبز)	راهبرد توسعه‌ی اجتماعات روستایی	راهبرد آگروپلین یا توسعه روستا-شهری	-
راهبرد صنعتی سازی روستاها	راهبرد مشارکت در توسعه‌ی روستایی	راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی	-

- کارآفرینی روستایی

کارآفرینی روستایی از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه کارآفرینی در چند سال اخیر می‌باشد؛ اما با توجه به ماهیت پویا و متغیر جوامع روستایی ارائه یک تعریف واحد و یکسان که در همه شرایط برای مناطق روستایی صادق و سازگار باشد بسیار دشوار است. از نظر ورتمن، کارآفرینی روستایی عبارت است از ایجاد سازمانی جدید که یک تولید یا خدمت جدید را معرفی یا بازار جدیدی را ایجاد می‌کند و یا از فناوری جدید در محیط روستایی استفاده نماید (ورتمن^۱، ۱۹۹۰).

کارآفرینی روستایی به عنوان همه انواع فعالیت‌های کارآفرینی که در مناطقی انجام می‌شود که با فضای باز بزرگ، اما تعداد کمی سکونتگاه جمعیتی در مقایسه با بافت شهری انجام می‌شود، توضیح می‌دهند. کسب و کار کارآفرینان روستایی به احتمال زیاد حول فعالیت‌هایی مانند خیاطی، کشاورزی، پذیرایی و سایر تجارت ضروری می‌چرخد. با این وجود، کاملاً دقیق نیست که بگوییم این طیف از فعالیت‌های تجاری برای کارآفرین شهری دیده نمی‌شود؛ اما نحوه تولید، مخاطبان هدف، نرخ مصرف و گردش مالی، کارآفرین روستایی را از کارآفرین شهری به معنای واقعی متمایز می‌کند (آدوومی^۲، ۲۰۲۰).

خاتون‌آبادی و انداده (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی تعریف کارآفرینی روستایی را چنین ذکر کرده‌اند: کارآفرینی روستایی، عبارت است از ایجاد کسب‌وکار با بهره‌گیری از فرصت‌های محلی همراه با نوآوری و تلاش و پشتکار زیاد و پذیرش

^۱. Wortman
^۲. Adewumi

خطرهای مالی و روحی و اجتماعی که با انگیزه‌های مختلفی از جمله توفیق‌طلبی، رضایت‌بخشی، استقلال و کسب سود مالی انجام می‌شود.

پترین و گنون^۱ (۱۹۹۷) و لویتاس^۲ (۲۰۰۰) در دو پژوهش جداگانه بیان کرده‌اند که کارآفرینی روستایی، اساساً با کارآفرینی شهری تفاوتی ندارد؛ جز این که باید آن را در فضای روستا تصور کرد. مفهوم کارآفرینی روستایی تنها به کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط، مانند صنایع غذایی محدود نمی‌شود؛ بلکه توسعه صنعتی را نیز پوشش می‌دهد. این مفهوم تنها به روستاها محدود نمی‌شود و شهرهای کوچک و نواحی مجاور را نیز در بر می‌گیرد.

مؤسسه‌های توسعه، کارآفرینی روستایی را قابلیت برای ایجاد فرصت‌های شغلی تلقی می‌کنند، سیاست‌مداران آن را به‌عنوان راه‌حلی مهم برای پیشگیری از آشفته‌گی روستا می‌شناسند، کشاورزان کارآفرینی را ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی در نظر می‌گیرند و زنان آن را به‌عنوان امکان کار در مجاورت منازل‌شان تلقی می‌کنند. البته برای تمامی این گروه‌ها، کارآفرینی و اشتغال وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی افراد و خانواده‌ها و اجتماع‌ها به‌شمار می‌رود که نتیجه تعامل آن، ایجاد محیط و اقتصاد سالم است (پاسبان، ۱۳۸۵).

داس^۳ (۲۰۱۴)، نقش کارآفرینی روستایی در توسعه اقتصادی را در عواملی مانند توسعه متوازن منطقه‌ای، اشتغال عمومی، بهبود استانداردهای زندگی، افزایش درآمد سرانه، خوداتکایی ملی و توزیع متناسب قدرت اقتصادی برشمرده و معتقد است که کارآفرینی روستایی، این مزایا و منافع مهم را دربردارد: فراهم‌آوری فرصت‌های شغلی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان، رشد متوازن منطقه‌ای، ارتقای فعالیت‌های هنری، جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و هوشیار سازی جوانان. کارآفرینی روستایی، بر کارآفرینی در حال ظهور در مناطق روستایی ناظر است. امروزه، نیاز رو به رشدی به کارآفرینان روستایی برای ایجاد واحدهای صنعتی با فرصت‌های شغلی فراوان برای اهالی روستاها احساس می‌شود. بر همین اساس صاحب‌نظران و نهادهای توسعه، کارآفرینی روستایی را به‌عنوان مداخله‌ای راهبردی برای ارتقای توسعه روستایی و تسریع در روند آن می‌دانند (ساکسنا^۴، ۲۰۱۲).

در تعریفی دیگر آمده است که کارآفرینی روستایی عبارت است از شناسایی فرصت‌های جدید، نوآوری و خلاقیت در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، نوآوری و خلاقیت در کاربری زمین و در واقع استفاده بهینه، متنوع و نوآورانه از منابع روستا در راستای توسعه پایدار روستایی می‌باشد (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۰).

بر این اساس می‌توان گفت که کارآفرینی در مفهوم روستایی خود بر واقعیت ایجاد شغل در نواحی روستایی متمرکز است. از آن‌جا که همه جوامع یا همه افراد درون یک کشور، برای دستیابی به شرایط کارآفرینی، موقعیت مساوی ندارند، باید شرایط لازم را برای توسعه کارآفرینی در سرزمین ایجاد کرد؛ بنابراین در راستای توانمندسازی، ظرفیت-

^۱ Petrin & Gannon

^۲ Levitas

^۳ Das

^۴ Saxena

سازی و افزایش زمینه‌های فعالیت‌های مشارکتی در نواحی روستایی، ضرورت دارد تبیین مناسبی از عوامل و دلایل تأثیرگذار بر موفقیت افراد روستایی و زمینه‌های افزایش کارآفرینی برای بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان در نواحی روستایی صورت گیرد.

- فواید و مزایای کارآفرینی روستایی

توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع‌بخشی درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان است و فرصت‌های مناسبی برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند.

کارآفرینی روستایی می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی باشد. در کارآفرینی روستایی بخش خصوصی، نقش مهمی در توسعه پایدار اقتصادی روستا ایفا می‌کند. کارآفرینی روستایی دارای عناصر پایه‌ای است که تمرکز عمده آن‌ها بر فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی روستا (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) است و کاهش فقر و تسریع زمینه‌های رشد اقتصادی روستا را به دنبال دارد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸).

زمینه‌های بروز کارآفرینی در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است. در واقع این نواحی محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می‌شوند. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی، از جمله زراعت، باغداری، پرورش انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگل‌داری و آبخیزداری و حفظ منابع طبیعی، حفظ محیط‌زیست، توسعه صنایع روستایی (صنایع دستی، خانگی، کارگاهی و کارخانه‌ای) گردشگری روستایی، مسکن روستایی و بهسازی محیط روستاها، مهم‌ترین زمینه بروز کارآفرینی در نواحی روستایی است. در حقیقت کلیه اقدامات و فعالیت‌هایی که می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و بهره‌برداری مطلوب و پایدار به طور کلی به بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی یاری رسانند در قلمرو کارآفرینی روستایی قرار می‌گیرند (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷).

بر این اساس، کارآفرینی در بخش روستایی می‌تواند نظمی نو برای کار در مناطق روستایی ایجاد کند که از چندین جنبه اهمیت دارد: اول آن که منطقی‌تر است، یعنی افراد و گروه‌های کاری در محیط روستا در جهت رفع نیازهای خود، فرصت‌های بیشتری به دست خواهند آورد. دوم آن که انسانی‌تر است، یعنی کار افراد و گروه‌ها نه تنها در زمینه اموری که با اهداف آنان بیگانه است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه موجب استثمار و زیان دیگران نیز نخواهد شد. سوم آن که با محیط زیست سازگارتر است. به این ترتیب کار با محیط طبیعی و زیست انسانی هماهنگ خواهد بود و طبیعت را تخریب نخواهد کرد. مؤسسات و نهادهای گوناگون، کارآفرینی روستایی را همانند قابلیت برای ایجاد فرصت‌های وسیع شغلی تلقی می‌کنند، سیاست‌مداران آن را به‌عنوان یک راه‌حل کلیدی برای پیشگیری از آشفته‌گی روستا می‌شناسند. کشاورزان، کارآفرینی را ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی در نظر می‌گیرند و زنان آنان را به‌عنوان امکان کار در مجاورت منزلشان تلقی می‌کنند که این نگرش، موجب استقلال، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آنان به حمایت‌های جامعه می‌شود. البته برای تمامی این گروه‌ها، ایجاد کارآفرینی و اشتغال، وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی افراد،

خانواده و اجتماعات به شمار می رود که نتیجه تعامل آن ایجاد محیط و اقتصاد سالم است (پاسبان، ۱۳۸۳)؛ بنابراین می توان گفت: کارآفرینی روستایی نیرویی فرآیندی است که به بررسی تولید منابع جدید برای تقاضای ارضا نشده بازار می پردازد؛ یعنی نوعی توانایی ایجاد فرصت ها از طریق خلق ارزش ها و به واسطه چیدن منظم و در کنار هم گذاشتن منابع (پاسبان، ۱۳۸۳)

- راهبردهای توسعه کارآفرینی روستایی

اگرچه توسعه کارآفرینی تنها راهبرد مناسب برای توسعه اقتصادی روستاها نیست، اما نسبت به سایر راهبردها هزینه کمتری دارد و برای محیط روستایی مناسب تر است. با توسعه کارآفرینی و ایجاد شرکت های کوچک کارآفرین، روستاییان به کالاها و خدمات مورد نیاز خود دست می یابند و این امر تأثیر زیادی در رشد اقتصادی روستاها و کاهش پدیده مهاجرت به شهرها دارد. روستاها نیز همچون شهرها، ممول از فرصت های جدید و کشف نشده هستند که کشف و بهره برداری به موقع از این فرصت ها و ایجاد کسب و کارهای جدید و رقابت پذیر بر مبنای آن، می تواند مزایای اقتصادی چشمگیری برای روستاییان به همراه آورده (میرزا امینی، ۱۳۸۳). دست اندرکاران توسعه کارآفرینی در روستاها بر دو فعالیت اصلی تأکید دارند:

۱. تشویق و حمایت از کارآفرینان روستایی برای ایجاد کسب و کارها جدید.
 ۲. تشویق کسب و کارهای موجود به توسعه فعالیت ها و حرکت به سمت تحقق ایده های جدید و کارآمد.
- مؤسسات، بنگاه ها و حامیان توسعه روستایی، کارآفرینی را به منزله یک مداخله راهبردی می دانند که می تواند فرآیند توسعه روستایی را تسریع بخشد اما همگی آنان بر ضرورت گسترش بنگاه های اقتصادی روستایی توافق دارند. به همین خاطر، بنگاه های توسعه روستایی، کارآفرینی روستایی را به عنوان یک نیروی اشتغال زای بزرگ و وسیله ای برای بهبود کیفیت زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در نظر می گیرند.
- جذب کسب و کارها از دیگر مناطق به روستاها:** ایجاد شرایطی مناسب برای فعالی و جذب دانش اموختگاه دانشگاهی در رشته های مختلف به ویژه رشته های مرتبط با توسعه روستایی، یکی از بهترین شیوه های جذب منابع انسانی برای امر کارآفرینی روستایی است. تأمین امکانات و فضاهای مناسب برای این افراد در روستاها از مهم ترین مسایل پیش روی مدیران توسعه روستایی خواهد بود. از جمله راه کارهایی که در این خصوص وجود دارند می توان موارد زیر را نام برد:

ایجاد فضای مناسب برای رشد کسب و کارهای جدید، ایجاد مراکز رشد کارآفرینی (انکوباتورها) که باعث رشد مشاغل و کسب و کارهای روستایی می گردند، تأمین تسهیلات و امکانات لازم از جمله زیرساخت های ارتباطی و اطلاعاتی، ارایه آموزش های کارآفرینی در مناطق روستایی و نقاط واسطه، ایجاد مراکز آموزشی، تحقیقاتی و علمی در مناطق روستایی مستعد و تقویت ارتباطات این گونه مراکز با روستاها، انگیزش دانش اموختگان شهری، مدیران، راهبران و کسانی که به نوعی علاقمند به توسعه و آبادانی روستاها هستند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۶).

تحقیقات کیبل^۱ و همکاران در سال (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که کارآفرینان بالقوه زیادی به دلیل سبک زندگی خاصی که در روستا وجود دارد و به دلایل غیرتجاری، از سطوح شهری به روستایی مهاجرت کردند و سپس درصدد برپایی یک بازار برآمدند. این واقعیت، دلیلی برای توسعه روستایی، تسهیلات اوقات فراغت، دسترسی به مسکن مناسب و تشویق مهاجرت معکوس نخبگان به خانه است. اگر از هر ۱۰۰ نفر، ۱۰ نفر از مهاجران دارای ایده‌های تجاری و استعداد واقعی، متقاضی برپایی یک بازار در منطقه باشند و حتی اگر هر یک از این ده نفر ۵۰ نفر را بتواند فعال کند، در آن صورت، کارآفرینی روستایی با سرعت مضاعفی تحقق خواهد یافت.

حمایت از ایجاد و گسترش کسب و کارهای جدید در درون مناطق روستایی: در بسیاری از کشورهای

دنیای امروز ایران فرصت‌های اشتغال در بخش خدمات بیشتر مهیا بوده و به همین خاطر توجه به فرصت‌های اشتغال در بخش روستایی کمتر مورد توجه بوده است با وجود قابلیت‌های فراوانی که چه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی نهفته است ولی اقدامات صورت گرفته در این راستا به هیچ وجه کافی نیست و به‌ویژه در امر کارآفرینی روستایی، حمایت‌های لازم کمتر از سایر زمینه‌ها وجود دارد؛ بنابراین لازم است متولیان امر توسعه روستایی چه در بخش دولتی و چه خصوصی حمایت‌های جدی از این قضیه به‌عمل آورند.

راهبرد استفاده از رهیافت‌های مشارکتی: سومین مسیر برای حمایت از کارآفرینان استفاده از رهیافت‌های

مشارکتی است. رهیافت مشارکتی، بهترین روش برای تغییر محیط بازدارنده، کارآفرینی است. هدف رهیافت‌های مشارکتی، خلق اثرات مشارکت جویانه بین دولت و بخش خصوصی به منظور حذف مشاجرات و پیشبرد راهبردهای توسعه روستایی از جمله کسب و کارهای کوچک و متوسط است (هنس^۲، ۱۹۹۳). تجارت مشارکت در توسعه روستایی نشان می‌دهد که مردم با دیدن مسایل دیگران و با پذیرش مسئولیت از هم تبعیت نموده و پیشرفت می‌کنند.

پس به‌عنوان یک اقدام فرهنگی برنامه‌هایی برای افزایش آگاهی مردمی که هیچ‌گاه تصویری از خود به صورت کارآفرین ندارند، موثر است برای مثال برنامه‌هایی برای زنان روستایی، از آن جمله است. در حالی که افراد جوان و کشاورزان خرد این اقدامات را زائد می‌شمارند، ولی فقدان آنها موجب می‌شود شکاف بین فرصت‌های محلی و کارآفرینی محلی زیاد شود (موزلی، ۱۳۸۸) بنابراین پیشبرد فعالیت‌های توسعه روستایی و از جمله توسعه کارآفرینی روستایی به شرط جلب مشارکت‌های محلی روز به روز بهتر خواهند شد.

راهبرد ارائه مشاوره‌های تخصصی: چهارمین مسیر برای حمایت از کارآفرینان بالقوه و بالفعل، ارائه مشاوره‌های

تخصصی به افراد واقعی جویای کارآفرینی و اطلاع‌رسانی به آنهاست. در این راستا برگزاری نشست‌های تخصصی در باره کارآفرینی، استفاده از رسانه‌های جمعی، تهیه نشریات فنی و تخصصی می‌تواند مناسب باشد. در گذشته ارائه اطلاعات از راه مشاوران بازاریاب یا واسطه‌های که به صورت حضوری به ملاقات افراد دارای شرایط می‌رفتند و به‌ویژه

^۱. Keeble

^۲. Hens

برای استخدام نیروی کار پاره وقت به مناطق روستایی می‌رفتند، انجام می‌گرفت. بخشی از کمک‌هایی که به وسیله سازمان‌های محلی توسعه برای کارآفرینان بالقوه در سایر کشورها ارائه شده است شامل موارد زیر می‌باشد.

- ارائه مشاوره و اطلاعات برای ایجاد بازارهای جدید که بیشتر در سازمان‌های محلی انگلیس مانند سازمان‌های ارائه دهنده خدمات تجاری کوچک و شوراهای مهارت و آموزش وجود دارد.
- تضمین بخشی از سرمایه، مشاوره‌های فنی و تخصصی مورد نیاز کارآفرینان به ویژه در فرآیند راه اندازی که مستلزم مطالعات امکان‌سنجی است.
- کمک به حل مجادلات بین کارآفرین و دیگر افراد ذی‌نفع در توسعه محلی توسط سازمان‌ها و گروه‌های مختلف مرتبط با مسایل توسعه روستایی مثل سازمان‌های زیست‌محیطی، کشاورزی و گروه‌های مختلف محلی.
- کمک به ایجاد ارتباط و تعامل با گروه‌های دیگر، برای مثال با همتایان در بازار، عرضه‌کنندگان محصولات، ارباب رجوع یا دیگر همکاران بالقوه تجاری،
- کمک به تاسیس انجمن‌ها و شبکه‌های محلی، برای مثال انجمن مغازه‌داران روستا تعاونی‌ها با انجمن تولید کنندگان مواد غذایی و مصرف‌کنندگان (موزلی، ۱۳۸۸).

راهبرد کارآفرینی گروهی: پنجمین راهبرد توسعه کارآفرینی روستایی استفاده از کارآفرینی گروهی است. اگر عناصر مهم شخصیتی فرد کارآفرین برای خلق فرصت‌ها و نوآوری در عرصه‌های مختلف را شامل مواردی نظیر؛ داشتن انگیزه، توفیق طلبی، تمایل به استقلال، مخاطره‌پذیری، جسارت، آرمان‌گرایی، سخت‌کوشی، دورنگری، ثبات رویه، اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری بدانیم: باید پذیرفت که احتمال تجمع عادی و طبیعی همه آن‌ها با حدت و شدت لازم در یک نفر، اتفاقی نادر تلقی می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگری که وجود دارد، قابلیت آموزش و تعمیم‌پذیری اکثر این عناصر در ظرف زمان و مکان مناسب، می‌باشد.

لذا اهتمام به تشکیل گروه‌هایی که ویژگی‌های فوق‌را به صورت جمعی دارا باشند، می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مهم جهت تولید انبوه کارآفرینان مد نظر قرار گیرد. بدین معنی که اگر هر نفر از اعضای گروه دارای دسته‌ای از ویژگی‌های یکدیگر گفته شده باشد، بنابراین فرهنگ گروهی ایجاد شده بین سایر افراد گروه در مجاورت یکدیگر، به تدریج به درجه‌ای می‌رسد که صد درصد ویژگی‌های روحیه کارآفرینی را در بین کلیه اعضای گروه تسری می‌بخشد (ریحانی بزرگ، ۱۳۸۸). توجه به توسعه کارآفرینی گروهی در بین زنان روستایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توجه به زنان کارآفرین در مناطق روستایی به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور در روند توسعه منابع و ظرفیت‌های محلی غیرقابل‌تردید است. نتایج مطالعات نیز نشان می‌دهد که زنان کارآفرین در مقایسه با مردان گرایش بیشتری به کار گروهی دارند و خود محوری در آن‌ها کمتر است.

از جمله سازوکارهای دیگری که در خصوص توسعه کارآفرینی روستایی می‌توان مطرح نمود عبارتند از:

- شفاف‌سازی برنامه‌های دولت، برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان در مناطق روستایی: کارآفرینان باید بدانند جزییات برنامه‌های اقتصادی دولت به چه صورت است. دولت بایستی از کارآفرینان و مدیران کارآفرین در مناطق روستایی حمایت کند. این پشتیبانی می‌تواند به شکل سیاست‌گذاری، ایجاد انگیزه، برنامه‌ریزی، تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی و ایجاد تسهیلات ویژه برای کارآفرینان صورت گیرد، دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های مختلف برای ارائه خدمات دولتی در مناطق روستایی، زمینه اشتغال زایی و کارآفرینی فوق‌العاده را در روستاها ایجاد نماید. طیف این امور نیز بسیار گسترده است از امور اداری، اقتصادی، انتظامی، بیمه و تأمین اجتماعی گرفته تا مراقبت از محیط‌زیست، حفظ و توسعه مراتع و جنگل‌ها (و حتی پاسداری از مرزها و منافع عمومی و ملی) استخدام نیروهای کاری در این زمینه‌ها باید به صورت محلی انجام پذیرد و تا حد ممکن به بخش خصوصی واگذاری گردد. این امر از طرف دیگر باعث کاهش حرکت و مهاجرت روستائیان به شهرها برای دریافت این گونه خدمات خواهد شد حرکت به سمت دولت الکترونیکی نیز از دیگر خدمات در این زمینه می‌باشد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۶).
- شناسایی کارآفرینان موفق در مناطق روستایی، معرفی و تقدیر از آنها نیز از راهبردهایی است که باعث گرایش بیشتری از طرف روستائیان به سمت فعالیت‌های کارآفرینان می‌گردد.
- ایجاد صنایع روستایی توسط افراد کارآفرین: وجود صنایع روستایی زمینه‌ساز پرکردن کردن خلاء موجود بین بخش کشاورزی و صنعت شده و به توسعه صنعتی شتاب بیشتری می‌بخشد و از این طریق باعث توسعه اقتصادی می‌گردد. برخی مزایای صنایع روستایی عبارتند از جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی، کاهش انگیزه مهاجرت، فراهم آوردن فرصت اشتغال غیرکشاورزی از طریق افزایش درآمد سرانه روستائیان و در نتیجه کاهش فقر، تأمین نیازهای اساسی سایر بخش‌ها و توسعه کشاورزی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای از طریق توزیع بهتر درآمد و بسط عدالت اجتماعی، استفاده بهینه از منابع محلی و ملی، افزایش و بهبود خدمات رفاهی (مسکن، کاهش تخریب و غیره)، کاهش ریسک و ایجاد توازن در چرخه درآمد خانوار روستایی، کاهش تخریب محیط‌زیست از طریق تمرکززدایی در حوالی مناطق مرکزی و شهری، تولید محصولات فرعی برای سرمایه‌گذاران بزرگ - مقیاس. از مهم‌ترین این نوع صنایع می‌توان به صنایع تبدیلی مثل صنایع روغن‌کشی، رب‌گوجه، کمپوت‌سازی، چرم‌سازی، صنایع چوبی و نساجی صنایع لبنی، صنایع کشتارگاهی اشاره کرد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۶).
- ایجاد فضای مدیریت مشارکتی و کمک به ایجاد تعاونی‌ها در روستاها و همراه نمودن آنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سرنوشت خود آنان از جمله مهم‌ترین سازوکارهای توسعه روستایی و کارآفرینی است. روحیه مشارکت-جویی در توسعه منطقه، خود از مهم‌ترین الزامات و پیشران‌های کارآفرینی روستایی محسوب می‌شود که از نشانه‌های بسط مردم‌سالاری در سطح روستاها به حساب می‌آید. شوراها از مهم‌ترین سازوکارهای این امر هستند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۶).

تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اسناد فرادست اشتغال و کارآفرینی روستایی در ایران و همچنین ارائه راهکارهای بهینه

به منظور ارتقاء شاخص‌های اقتصادی، انسانی و اجتماعی مناطق روستایی و عشایری تا سطح شهری و توسعه و بهبود مدیریت روستایی و عشایری و توسعه و تثبیت اشتغال و انتظام بخشی به روابط شهر و روستا و ارتقاء هویت روستایی ارتقای قابلیت‌های انسانی فقرا ارتقای درآمد و معیشت و نقش طبقات کم درآمد توسعه و ارتقاء و توسعه خدمات و زیرساخت‌های روستایی و عشایری (حداقل ۹۰ درصد مناطق شهری) و نیز ارتقاء زیرساخت‌های مناطق و محلات فقیر و محروم شهری با تأکید بر مناطق محروم محور توسعه شرق و غرب تسهیل دسترسی مسکن در استطاعت فقرا و ارتقاء دسترسی به خدمات تامین سوخت در روستاها و مناطق دور افتاده، با تأکید بر بهره‌گیری از استفاده از مزیت نسبی و شرایط اقلیمی مناطق و تمامی فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی ملی و منطقه‌ای و ظرفیت‌سازی برای ایجاد و خلق مزیت‌های جدید، راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی ذیل به اجرا در می‌آیند: (گزارش کارشناسی، ۱۳۹۶).

۱. اصلاح و تنوع بخشی به ساختار اقتصاد روستایی، بهبود محیط کسب و کار و تقویت بنیه اقتصادی مناطق روستایی و عشایری و مناطق مرزی و ساحلی از طریق:

تعیین ظرفیت‌ها و اولویت‌های سرمایه‌گذاری، حمایت از شرکت‌های حقیقی و حقوقی دانش‌بنیان و کارآفرین اقتصادی و اجتماعی، افزایش سهم سرمایه‌گذاری دولت در فعالیت زیرساخت‌های اقتصادی، اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای مناسب برای حمایت از تولیدات، سنددار کردن املاک و مستغلات و اراضی روستایی، اقتصادی کردن فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، ظرفیت‌سازی برای افزایش درآمد سرانه خانوارهای روستایی و عشایری، اعمال سیاست‌های لازم جهت افزایش سهم ارزش افزوده در بخش‌های عمده اقتصادی و جذب در اقتصاد روستا، ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرکشاورزی با اولویت گردشگری، صنایع دستی، تبدیلی و تکمیلی، افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در کلیه بخش‌های اقتصادی بویژه بخش کشاورزی، توسعه روستاهای هدف گردشگری، استفاده از منابع حاصل از وقف، خمس، صدقات و نذورات و سایر وجوه شرعی، تلاش برای اخذ معجزه‌های شرعی در زمینه استفاده از بخشی از منابع ذکات در تأمین ملزومات و ابزار تولید نیازمندان، افزایش میزان، سهم ارزش افزوده و اشتغال بخش‌های صنعت و معدن و خدمات در اقتصاد روستا.

۲. ارتقاء نقش و جایگاه مناطق روستایی در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (ملی، منطقه‌ای، محلی) از طریق:

تهیه لایحه بازنگری قانون تقسیمات کشوری در مورد تعاریف و ملاک‌های روستا و شهر، اصلاح لایحه دهیاری‌ها و ضوابط تاسیس دهیاری، اصلاح قانون شوراهای اسلامی روستایی (پایه و فرادست) برای پوشش آبادی‌های زیر بیست خانوار با تأکید بر پرهیز از توسعه کمی مدیریت محلی، تعیین بخش مختص روستا در کلیه برنامه‌ها اعم از سالیانه، پنج ساله یا سیاست‌های کلی، تدوین الگوی توسعه روستایی با تمرکز بر ملاحظات آمایشی، حفظ و توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی در نواحی مرزی، انجام و تکمیل مطالعات آزمایشی طرح منظومه پایدار روستایی و جمع بندی

درس‌های آموخته در سال اول برنامه، استقرار نظام سلسله مراتب و سطح بندی خدمات در چارچوب طرح‌های منظومه‌ای روستایی و همسویی نظام سلسله مراتب خدمات با نظام مدیریت مناطق روستایی، انتظام فضایی و ارتقاء کیفیت محیطی کالبدی سکونتگاه روستایی و توسعه مسکن معیشت محور، تقویت مدیریت یکپارچه روستایی و تقویت زنجیره مناسبات و پیوندهای پایدار شهری و روستایی، جلوگیری از ادغام سکونتگاه‌های روستایی واقع در حریم کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ و تبدیل بی‌محابای سکونتگاه‌های روستایی به شهر. تسهیل دسترسی برابر روستاییان به فرصت‌های حقوقی، گسترش دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و کاهش فاصله آن با مناطق شهری.

۳. توسعه حمایت‌های اجتماعی فراگیر و توانمندساز فقرا و محرومین از طریق:

توسعه مهارت‌های حرفه‌ای، تخصصی و کسب و کار فقرا، توسعه مهارت‌های پایه و اجتماعی فقرا، توسعه بانک‌پذیری فقرا، توسعه افقی و عمودی گروه‌ها و تشکل‌های اجتماع محور فقرا، توسعه تشکل‌های صنف کشاورزی، توسعه تشکل‌های مردم نهاد حامی فقرا، تسهیل دسترسی گروه‌های کم درآمد و فقرا به منابع و تسهیلات بانکی، توسعه بازارهای کالا و خدمات فقرا، توسعه دسترسی فقرا به فناوری‌های اطلاعات و فن‌آوری‌های نوین، توسعه کسب و کار خرد و بنگاه‌های خرد حامی فقرا، ارتقای تدریجی مسکن فقرای روستایی و حاشیه‌نشینان شهری، تقویت حقوق مالکیت (زمین و...) در مناطق روستایی و سکونتگاه‌های غیر رسمی، تنظیم مقررات بازار کار به منظور ایجاد فرصت‌های جذاب شغلی برای فقرا، ترویج و ترغیب مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در توسعه فعالیت‌های اقتصادی مناطق محروم، تامین و بسیج منابع مالی اسلامی برای فقرزدایی و محرومیت زدایی، بومی‌سازی و توسعه مدل وام دهی گروهی و بانکداری پیوندی، اصلاح شبکه‌های تأمین مواد اولیه، طراحی، بازاریابی و فروش مشاغل خانگی زنان سرپرست خانوار، توسعه دسترسی به آموزش‌های پایه و متوسطه و آموزش دختران در مناطق محروم، استفاده بهینه از منابع حاصل از حذف یارانه‌ها با هدف افزایش رفاه کل جامعه و بهبود شاخص‌های عدالت، اصلاح و سوق دهی منابع قانون هدفمندسازی یارانه‌ها به سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و کالاهای عمومی و زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی حامی فقرا.

– نمونه موفق جهانی در اشتغال و کارآفرینی

– دیجیتال سبز^۱: نفوذ شبکه‌های اجتماعی بر توسعه کشاورزی در هند

ریشه‌های اولیه دیجیتال سبز به عنوان یک پروژه تحقیقاتی میکروسافت در بنگلور شکل گرفت. این پروژه بخشی از تلاش برای آزمایش روش‌های مختلف استفاده از فناوری برای توسعه اجتماعی بود. به طور خاص، این پروژه روی آزمایش استفاده از فیلم‌های مشارکتی^۲ به عنوان ابزاری برای ترویج کشاورزی^۳ متمرکز شده بود. این رویکرد به عنوان برنامه‌های خدمات مشاوره کشاورزی موجود به عنوان ابزاری برای توسعه بسیار موثر بوده است.

¹ Digital green

² Participatory video

³ Agricultural Extension

کشاورزان خرده پا (با تولید در مقیاس کوچک) اگرچه حدود ۷۰ درصد از جامعه کشاورزان هند را تشکیل می‌دهند، اما نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی عمیقی را در مقایسه با کشاورزان بزرگ (با تولید بزرگ مقیاس) تجربه می‌کنند. در واقع بیشتر کشاورزان با تولید خرد، به علت مشکلات فراوان، کشاورزی را منبع تأمین معیشت پایدار نمی‌دانند. همینطور سرمایه‌گذاری‌های دولتی در بخش کشاورزی نیز طی چند دهه گذشته کاهش یافته است. در حالی که بخشی از این کاهش توسط بخش خصوصی جبران شده است اما این سرمایه‌گذاری‌ها در مزارع بزرگتر و مکانیزه تر متمرکز می‌شوند. در عین حال رویکرد عمدتاً سنتی در مورد ترویج کشاورزی در کشورهایی مانند هند باعث منزوی شدن کشاورزان خرده پا و افزایش آسیب‌پذیری آنان شده است.

در طول انقلاب سبز هند در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، متداول‌ترین روش برای ترویج، روش آموزش و بازدید^۱ (روش T&V) بود که از رویکرد بالا به پایین برای انتشار اطلاعات پیروی میکرد. هدف از رویکرد T&V تشویق کشاورزان به افزایش تولید محصولاتی مشخص بود. در این روش برنامه‌ریزی به صورت متمرکز کنترل می‌شود و کارمندان کشاورزی به منابع مرکزی وابسته هستند. همچنین یک الگوی سفت و سخت در بازدید از کشاورزان و آموزش ضمن خدمت کارمندان مزرعه وجود دارد. در حالی که این رویکرد پشتیبانی علمی و فنی را به کشاورزان ارائه می‌دهد، فاقد ارتباطات واقعی دو طرفه و انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخگو کردن آن به وضعیت محلی است. به خاطر مشکلاتی از این دست در نهایت رویکرد T&V جای خود را به برنامه‌های ترویجی داد که بر توسعه خدمات مشارکتی، غیرمتمرکز و تقاضا محور متمرکز شده‌اند. همچنین این رویکرد جدید برای پرداختن به تنوع فرهنگ، زبان، جغرافیا و سایر عوامل اجتماعی-اقتصادی و محیطی و متناسب سازی اطلاعات با جامعه محلی مناسب‌تر است.

با وجود چنین تلاشهایی برای کمک به کشاورزان خرده پا، سیستم توسعه فعلی هند اغلب نمی‌تواند به طور مؤثر با کشاورزان ارتباط برقرار کند. این موضوع بیشتر به دلیل شرایطی از قبیل محتوای عمومی از بالا به پایین است که کشاورزان نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. در حالی که ممکن است مطالب از نظر علمی دقیق باشند اما اغلب به روشی ارائه می‌شوند که کشاورزان به دلیل محدودیت‌های زبان یا به دلیل ارائه مختصر یا انتزاعی توسط کارمندان کشاورزی به راحتی نتوانند آن را درک کنند.

اما روش دیجیتال سبز نشان داده است که یک فرایند مشارکتی همراه با راه‌حلهای ساده فناورانه می‌تواند جوامع کشاورزی خرد را قادر سازد تا اطلاعات خود را در مورد بهترین شیوه‌ها برای بهبود بهره‌وری و معیشت پایدار و تولید به اشتراک بگذارند. مطالعات اولیه طرح پایلوت نه تنها حاکی از تاثیر بیشتر رویکرد مبتنی بر فیلم است، بلکه همچنین نشان داد که مدل دیجیتال سبز مقرون به صرفه تر از سیستم های کلاسیک ترویج کشاورزی است. رویکرد دیجیتال سبز حداقل ده برابر کارآمدتر بوده و هفت برابر بیشتر کشاورزان را به اتخاذ شیوه های جدید در مقایسه با سیستم های کشاورزی معمولی تشویق کرده است.

¹ Training & Visit method

در واقع رویکرد دیجیتال سبز، محققان، دست اندرکاران توسعه و جوامع روستایی را گرد هم می‌آورد تا اطلاعات محلی مربوط را تولید و به اشتراک بگذارند. رویکرد یادگیری مشارکتی و مبتنی بر فیلم دیجیتال سبز کمک می‌کند جوامع محلی تا حد ممکن با سیستم ترویج ارتباط برقرار کنند. برای این کار، دیجیتال سبز فرآیندهای خود را در سیستم‌های ترویج عمومی و خصوصی برای ظرفیت سازی جوامع روستایی برای تولید و به اشتراک گذاری فیلم های کوتاه ادغام می‌کند.

با این رویکرد، نزدیک به ۳،۰۰۰ فیلم در بیش از ۲۰ زبان تولید شده است و در بیش از ۳۹۰۰ روستا در سراسر هند، اتیوپی و غنا به بیش از ۳۰۰،۰۰۰ کشاورز رسیده است. این فیلم ها بیش از ۲۰۰،۰۰۰ بار نمایش داده شده اند.

درس‌های آموخته از نمونه ارائه شده

▪ تقویت جوامع محلی

دیجیتال سبز با تمرکز بر تولید فیلم‌های کوتاه برای بهبود وضعیت معیشت، بالا بردن ظرفیت و تقویت مهارت‌های تسهیلگری در مریان به افزایش اثربخشی و کارآیی ترویج کشاورزی کمک کرده است.

▪ توانمندسازی اجتماعی

در معرض مهارت‌ها و فناوری‌های جدید قرار گرفتن جوامع محلی می‌تواند منجر به توانمندسازی آنها شود. برای روستاهایی که امکان استفاده از این فناوری‌ها را ندارند و یا دسترسی کمی به برق یا حتی فن‌آوری اساسی مانند تلویزیون، رایانه یا تلفن همراه دارند، نسل جوان علاقه مند به دسترسی دادن به آنها هستند.

▪ گروه‌های اجتماعی قوی برای موفقیت این رویکرد ضروری هستند

دیجیتال سبز ابتدا کار در روستاهایی را شروع کرد که سازمان‌های قبلاً فعالیت‌هایی را با همکاری با گروه‌های محلی مانند گروه‌های خودیار، گروه‌های زنان و گروه‌های کشاورزان برقرار کرده بودند و فعالیت دیجیتال سبز در این روستاها بسیار ساده بود. این موضوع دیجیتال سبز را مجبور کرده است در نحوه عملکرد این روش در روستاهای جدید تجدیدنظر کند. برای پرداختن به این چالش، دیجیتال سبز شروع به همکاری با شرکای خود برای به اشتراک گذاشتن مطالب مربوط به بسیج گروه‌های جامعه و ایجاد موسسات سطح مردمی در پیشبرد پیام‌های کشاورزی کرده است.

▪ انعطاف پذیری برای ارتباط داشتن با وضعیت های جدید ضروری است

رویکرد دیجیتال سبز در بخش‌های بهداشت و تغذیه بواسطه پروژه‌هایی در هند و اتیوپی در حال گسترش است. نتایج اولیه نشان می‌دهد که این رویکرد به اندازه کافی قابل انعطاف است که با تغییرات جزئی در حوزه های جدید نیز موثر باشد. در بخش کشاورزی، پذیرش وضعیت‌های جدید معمولاً ملموس تر و قابل مشاهده تر هستند؛ اما در حوزه سلامت، رفتارها به مراتب کمتر مشهود است و غالباً ماهیت خصوصی دارند که ردیابی آنها می‌تواند دشوارتر باشد؛ بنابراین، نحوه تعریف پذیرش یک وضعیت جدید در سلامتی پیچیده تر است که نه تنها شامل تغییرات واقعی در رفتار است بلکه باعث افزایش دانش افراد نیز می‌شود. پذیرش این نوع رفتارها نیاز به انعطاف دارد.

▪ مشارکت کنندگان جدید نیاز به حمایت دارد

از آنجا که دیجیتال سبز شبکه خود را با مشارکت کنندگان جدید گسترش می‌دهد، متوجه شده است که شرکای مختلف از نظر دامنه تخصص خود، میزان آشنایی آنها با فناوری، توانایی آنها در تعامل با جامعه و توانایی آنها برای پیگیری مدیریت داده‌ها، سطح صلاحیت‌های مختلفی دارند؛ بنابراین لازم است که دیجیتال سبز به ویژه در مراحل اولیه یک همکاری، درجه بالاتری از پشتیبانی از شرکای جدید ارائه دهد. به عنوان مثال هنگامی که دیجیتال سبز برای اولین بار کار خود را در اتیوپی آغاز کرد تعامل کمی با این رویکرد برقرار شد اما وقتی روی منابع انسانی محلی سرمایه گذاری کرد و پشتیبانی فنی و فرایندی لازم را انجام داد این تعامل نیز بیشتر شد.

▪ ضرورت حفظ کیفیت محتوا با گسترش دیجیتال سبز

با گسترش دیجیتال سبز، اهمیت تضمین مطالب با کیفیت بالا نیز مورد توجه قرار گرفته است. به منظور اطمینان از اینکه فقط محتوای با کیفیت با کشاورزان به اشتراک گذاشته می‌شود، دیجیتال سبز کمیته مشاوره فنی خود متشکل از محققان و متخصصان داخلی و بین‌المللی را تشکیل داده که وظیفه دارند هر ویدئو را بررسی کنند (سیلوستر^۱، ۲۰۱۵).

- نمونه موفق داخلی در اشتغال و کارآفرینی

- طرح آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج بر اساس رویکرد معیشت پایدار

یکی از اهداف اساسی بنیاد علوی (بازوی اجرایی بنیاد مستضعفان) در موضوع فقرزدایی؛ کمک به ارتقای زندگی مادی، معنوی و فرهنگی مستضعفان و محرومان جامعه است که در این راستا بنابر توصیه و رهنمود مقام معظم رهبری مدظله العالی به ریاست محترم بنیاد مستضعفان کشور مبنی بر این که "یک منطقه را در نظر بگیرید آنگاه بپردازید به رفع محرومیت از آن منطقه به ایجاد اشتغال، ایجاد رونق و هر کاری که لازم دارد یک منطقه را از آب و گل بیرون بیاورید"، در راستای توانمندسازی، رفع محرومیت و ایجاد معیشت پایدار برای اقشار محروم مناطق کشور، با بررسی مدل‌های موفق و کارآمد ملی توسعه در مناطق روستایی، اعم از جهاد سازندگی و سایر دستگاه‌ها و نهادها و بررسی مدل‌های موفق جهانی، طرح آبادانی و پیشرفت را برای اولین بار در سال ۱۳۹۳ در شهرستان قلعه گنج - از شهرستان‌های بسیار محروم جنوب کرمان - به عنوان الگوی طراحی انتخاب نموده و به اجرا گذاشته است.

این طرح الگویی است پویا در راستای محرومیت‌زدایی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و حفاظت از منابع پایه با تاکید بر راهبردهای جامع‌نگر، دانش‌محور، تأمین معیشت پایدار و فقرزدایی و با محوریت توان‌افزایی، ظرفیت‌سازی، مشارکت مردمی و انسجام سازمانی در مناطق هدف که اجرای آن موجب ارتقاء تاب‌آوری در مواجهه با آسیب‌ها، ترویج فرهنگ کار و تلاش و ایجاد اشتغال مولد و مفید در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌شود.

¹ Sylvester

– اهداف طرح آبادانی و پیشرفت

- (۱) عدالت اجتماعی، فقرزدایی و محرومیت‌زدایی
- (۲) بهبود فضای کسب و کار، توسعه اشتغال و رشد اقتصادی
- (۳) حفظ و تقویت سرمایه‌های اساسی (سرمایه‌های انسانی، طبیعی، مالی، اجتماعی، فیزیکی، سازمانی و فرهنگی و دینی)
- (۴) ظرفیت‌سازی و توان‌افزایی در مناطق تحت پوشش
- (۵) دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی

– مبانی و راهبردهای اساسی طرح آبادانی و پیشرفت

- (۱) باور به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های منابع انسانی به عنوان بالاترین سرمایه و بهره‌گیری از تفکر، هم‌اندیشی و خلاقیت آنان برای حل مشکلات و ایجاد تحول؛
 - (۲) نهادینه سازی اصل "هیچ بن‌بستی نداریم" و راه و منطق "مقاومت و ایستادگی" در برابر مشکلات اجتماعی و اقتصادی و تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس؛
 - (۳) آبادانی و پیشرفت منطقه از طریق حفظ و تقویت سرمایه‌های انسانی، فرهنگی و دینی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی و مالی و سازمانی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛
 - (۴) تأمین معیشت پایدار و ریشه‌کنی فقر با تأکید بر توانمندسازی و مهارت‌آموزی با استفاده از تسهیلات صندوق‌های آبادانی و پیشرفت در هر روستا و تسهیلات بانک (بانک سینا) به منظور تثبیت و بهبود مشاغل موجود و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید با بهره‌گیری از استعدادها و ظرفیت‌های افراد و منطقه و تکمیل و ایجاد زنجیره‌های ارزش و تولید؛
 - (۵) ارتقاء شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه با مشارکت فعال مردم و برون‌رفت از محرومیت و گذر از میانگین شاخص‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور؛
 - (۶) ایجاد ساختارهای اجتماعی ماندگار و سازگار متناسب با نیازهای طرح در راستای تحقق اهداف (کمیته آبادانی پیشرفت روستا، گروه‌های آبادانی و پیشرفت، صندوق‌های آبادانی و پیشرفت روستا و تشکیل شرکت‌های تعاونی فراگیر)؛
 - (۷) ایجاد نظام سنجش و پایش مستمر فرآیندها، اقدامات و شاخص‌های طرح آبادانی و پیشرفت منطقه.
- از عوامل ضرورت اجرای طرح مذکور می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- جامع نبودن طرح‌های توسعه منطقه‌ای و روستایی در کشور
 - تشدید روند مهاجرت‌های بی‌رویه از مناطق روستایی و مناطق کمتر توسعه‌یافته به دلیل نداشتن شغل و درآمد

کافی

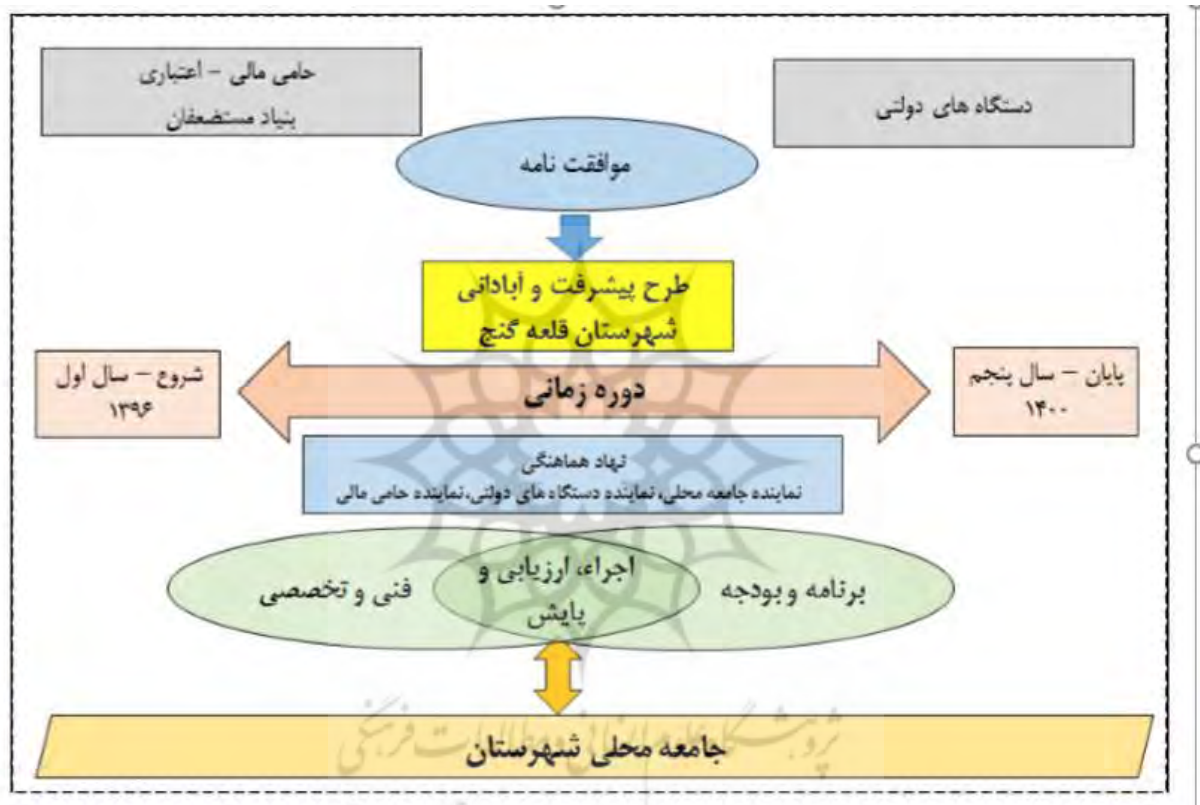
- گسترش حاشیه‌نشینی در اطراف شهرهای کشور بویژه کلان‌شهرها
- مشارکت ضعیف مردم در طرح‌های توسعه‌ای مناطق
- عدم توجه کافی به مقوله عدالت اجتماعی در طرح‌های توسعه‌ای
- عدم توجه کافی به فرهنگ کار و تلاش در مناطق محروم
- وابستگی توسعه روستاها و مناطق به دولت
- فقدان مدل و الگوی توسعه روستایی و منطقه‌ای مناسب برای کشور

- مهم‌ترین مشکلات شهرستان قلعه گنج

شهرستان قلعه گنج در جنوب استان کرمان دارای آب و هوای نیمه مرطوب و اقلیم بیابانی می‌باشد و در سال‌های اخیر به علت کاهش بارندگی دچار خشکسالی شدید بوده است. به علت نبود معادن و کارخانجات و مراکز مهم اقتصادی در این شهرستان عمده مردم به کشاورزی و دامداری مشغول بوده‌اند. درآمد اکثر مردم به کشت محصولات سالانه اختصاص دارد و محصولات عمده زراعی شهرستان را خیار و مرکبات نظیر خرما و پرتقال تشکیل می‌دهد. این شهرستان با توجه به دورافتادگی جغرافیایی نسبت به مرکز در دهه‌های اخیر از قافله تغییرات و تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور تا حد زیادی عقب مانده است. تغییرات جهانی از جمله تغییر آب و هوا و گرمایش زمین به همراه تحولات در سطح ملی و منطقه‌ای و همچنین وضعیت طبیعی و انسانی ویژه شهرستان قلعه گنج، همه دست به دست هم داده‌اند و وضعیت کنونی معیشت ساکنان و منابع طبیعی شهرستان را شکل داده‌اند. افت سطح آب‌های زیرزمینی، خشک شدن تالاب جازموریان، از بین رفتن باغات و بیماری‌های دامی مهم‌ترین مسائل محیطی و زیست‌محیطی این شهرستان می‌باشند. فقر جامعه روستایی شهرستان قلعه گنج در کنار بیکاری مهم‌ترین مشکلات مردم در سال‌های اخیر بوده است. از سویی دیگر تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های متوالی و برداشت روز افزون از منابع آب زیرزمینی سبب شده است تا چشم‌انداز آبی شهرستان در صورت ادامه روندهای موجود با مشکلات عدیده‌ای مواجه باشد. فشار بیش از حد بر منابع طبیعی شهرستان، بهره‌وری پایین بخش تولید و نهایتاً خام‌فروشی محصولات که بدون بازاریابی مناسب و با حداقل سود نصیب دلالتان و واسطه‌ها می‌شود، سیمای کلی ساختار معیشتی شهرستان قلعه گنج را ترسیم می‌نماید. مشکلات و مسائل شهرستان و روندهای حاکم بر وضعیت موجود گویای این حقیقت است که در صورت اهمال و نادیده گرفتن موضوعات، همزمان با کاهش دسترسی به منابع طبیعی شاهد گسترش فقر و محرومیت و پیامدهای آن در شهرستان خواهیم بود.

برای جلوگیری از چنین پدیده‌ای نیاز به طراحی و پیاده‌سازی الگوی طرح آبادانی و پیشرفت در منطقه مذکور بیش از پیش احساس گردید. مدیریت اجرایی طرح مذکور دارای سه نهاد اصلی است. این سه نهاد عبارتند از دولت (دستگاه‌های دولتی)، بنیاد مستضعفان (نهادهای حامی و مالی - اعتباری) و جامعه محلی (نماینده جامعه محلی). در واقع مدیریت طرح حاضر از ابتدای تدوین طرح طبق موافقت‌نامه‌ای که بین بنیاد مستضعفان و چهار وزارت خانه اصلی (وزارت‌های نیرو، جهاد کشاورزی، صنعت و معدن و کشور) منعقد شد، به اجرا درآمده است؛ اما آنچه که مهم می

نماید، نقش مردم و جامعه محلی در حوزه اجرای پروژه‌ها و اجرای طرح حاضر است که این مهم با ایجاد یک نهاد هماهنگی در شهرستان قلعه گنج که شامل نماینده جامعه محلی، نماینده دستگاه‌های دولتی، نماینده حامی مالی می‌باشد، محقق می‌شود. در واقع نهاد هماهنگی در شهرستان، خدماتی از جمله خدمات فنی و تخصصی، برنامه و بودجه و اجراء، ارزیابی و پایش را انجام می‌دهند. نهاد هماهنگی به طور رسمی وظیفه اجرایی کردن پروژه‌های تصویب شده در طرح آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج با مشارکت جامعه محلی را بر عهده دارد و حلقه واسط بین طرح و جامعه محلی است. وجود این نهاد هماهنگی در دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در شهرستان برای اجرایی کردن طرح ضروری است. شکل زیر الگوی کلان روش مدیریتی طرح حاضر را نشان می‌دهد.



شکل (۱): الگوی کلان روش مدیریتی طرح آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج

اهداف بنیادین طرح آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج

در تدوین اهداف بنیادین مطالعات، مهم‌ترین مسائل و موضوعات شهرستان قلعه گنج منتج از مطالعات شناخت و تحلیل وضعیت موجود شهرستان مورد استفاده قرار گرفته است. شهرستان قلعه گنج وضعیتی از فقر و محرومیت را تجربه می‌کند که با تخریب منابع طبیعی و محیط زیست، انحلال توانمندی‌های سرمایه انسانی همگام و همزمان است. همچنین در حاشیه ماندن شهرستان قلعه گنج مزید بر مشکلات دیگر شهرستان شده است. به منظور برون‌رفت از این مسائل و مشکلات شهرستان، توسعه اقتصاد محلی، استفاده از شیوه‌های نوین کشاورزی و ایجاد تنوع در فعالیت‌های درآمدزای

غیرکشاورزی که از مولفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی هستند، همچنین بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی در تدوین اهداف مورد نظر بوده است. این اهداف در چارچوب مدیریت کارآمد و مشارکتی قابل حصول است.



شکل (۲): اهداف بنیادین مطالعات آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج

- تدبیر و تصمیم

به منظور برون‌رفت شهرستان مذکور از مسائل و مشکلات مطرح شده، مهندسین مشاور سبزاندیش پایش به عنوان مشاور مطالعاتی طرح آبادانی و پیشرفت با اطلاعات منتج از شناخت و تحلیل وضعیت موجود در مجموع ۱۲۶ طرح و برنامه اجرایی در چهار بخش متولی اجرا؛ جامعه محلی، ارگان‌های دولتی، بنیاد علوی و بنیاد علوی به نیابت از دولت پیشنهاد نمودند. فرایند تدوین این برنامه اجرایی و بودجه‌بندی سالیانه و همچنین نقش مشارکتی ذی‌نفعان به صورت شماتیک در شکل (۳) آورده شده است.



شکل (۳): فرآیند تدوین برنامه اجرایی و بودجه‌بندی سالیانه و نقش مشارکتی ذی‌نفعان

۷- اقدامات

یکی از اقدامات موثر و قابل مشاهده در طرح آبادانی و پیشرفت اجرای پروژه توان‌افزایی جامعه محلی در ۱۵۵ روستا در شش فاز (شامل فاز اول: ۲۰ روستا، فاز دوم: ۴۰ روستا، فاز سوم: ۲۰ روستا، فاز چهارم: ۲۰ روستا و فاز پنجم: ۴۴ روستا و فاز ششم ۱۱ روستا) بود که با بسیج نمودن جامعه محلی از طریق ایجاد تشکل‌های اجتماعی، صندوق‌های اعتبارات خرد راه‌اندازی و گروه‌های توسعه روستایی ایجاد گردید.

صندوق‌های اعتبارات خرد و یا تامین مالی خرد به معنای فراهم نمودن خدمات و تسهیلات مالی، برای گروه‌های کم درآمد جهت بهبود وضعیت مالی و ایجاد اشتغال برای آنهاست. این ابزار توانایی تغییر و بهبود زندگی مردم، به ویژه زنان روستایی نیازمند به اعتبارات را دارا می‌باشد. فلسفه وجودی موسسات تامین مالی خرد، خدمت به مردم فقیر و افزایش دامنه شامل تخصیص منابع مالی به این افراد است. شمار زیادی از این موسسات در جهان، واقعا به دنبال ایجاد رویکردی تعادلی میان تامین مالی باثبات و اهداف متعالی جامعه به لحاظ شرایطی و ایده آل و مناسب برای وام‌گیرندگان و توانمندسازی آنان هستند؛ بنابراین اقدامات تامینی موثر در این زمینه منوط به اتخاذ رویکردهای یکپارچه و منسجمی است که در نهایت بتواند منجر به ایجاد امرارمعاش و شغل پایدار شود.

اهداف اجرایی پروژه توان‌افزایی جامعه محلی شامل ۵ زمینه اساسی توسعه پایدار به شرح زیر است:

(۱) تقویت مشارکت مردم، ایجاد بستری برای ایجاد سازمان محلی منتخب برای برنامه‌ریزی، اجرای اقدام لازم برای وضعیت زیست و معیشت آنها

(۲) شناسایی منابع و دارایی‌های موجود در روستا از قبیل آب، زمین، نیروی انسانی، دانش و مدیریت آنها توسط مردم روستا استفاده از منابع و پتانسیل‌های موجود در روستا شامل:

✓ بهره‌برداری از پتانسیل و فرصت‌های موجود

✓ کسب بیشترین درآمد و سود از منابع موجود

✓ تغییر کیفیت شغل با استفاده از ظرفیت‌های موجود

✓ راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین برای مشاغل کم‌بازده

(۳) برقراری ارتباط مردم با سازمان‌های دولتی مسئول

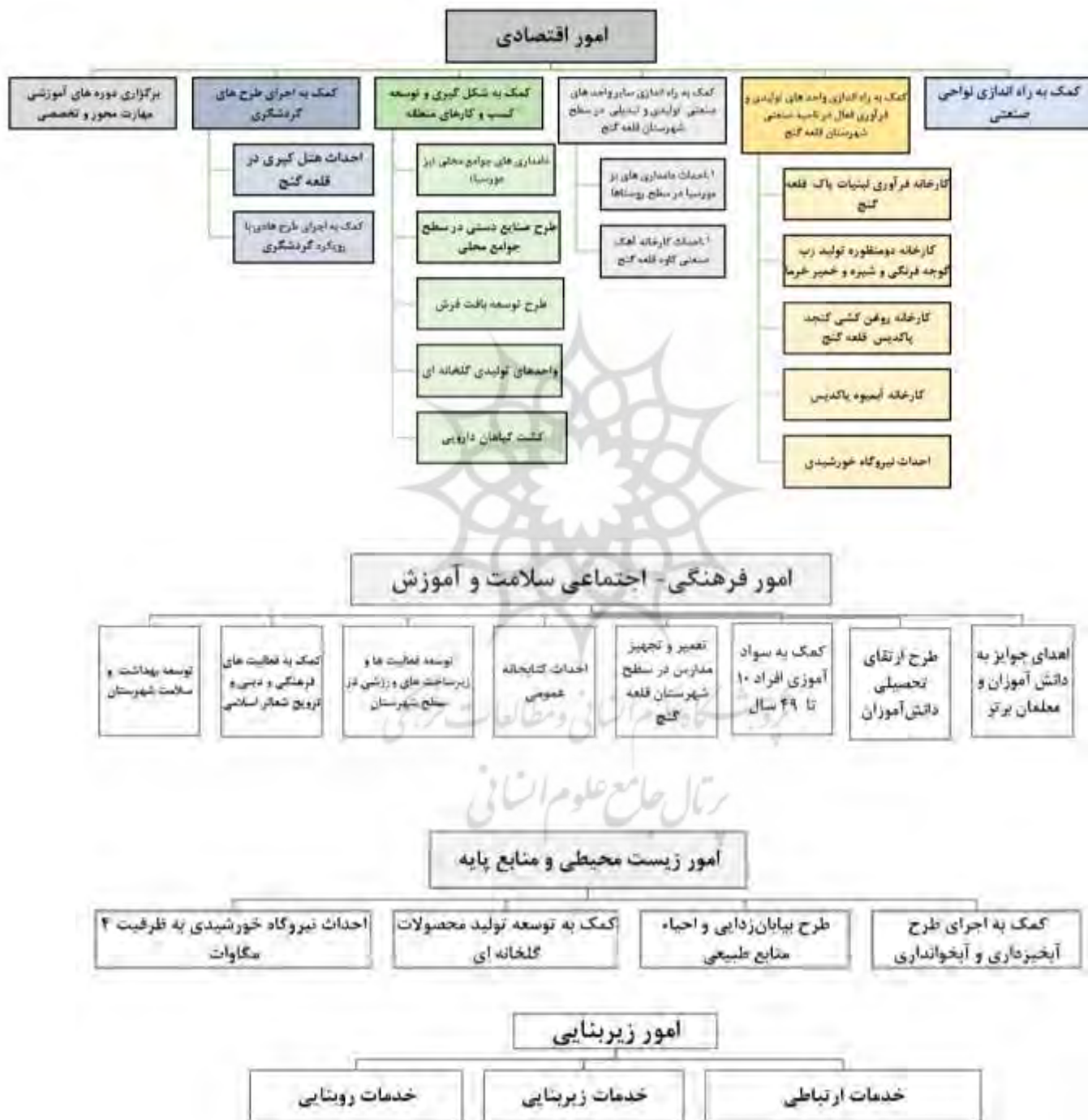
(۴) برطرف کردن نیازها در هر روستا به شیوه آسان‌تر، مفیدتر و مطلوب‌تر

(۵) شناسایی آموزش‌های مورد نیاز مردم روستا و فراهم آوردن امکان انتقال و یا افزایش دانش برای آنها.

عقد تفاهم‌نامه همکاری با بانک سینا، معاونت توسعه روستایی مناطق محروم کشور و استانداری جهت ارائه تسهیلات برای مشاغل خرد و متوسط یکی دیگر از تدابیر اندیشیده شده در جهت توانمندسازی مردم مناطق محروم در راستای اجرای طرح آبادانی و پیشرفت بوده که جهت ایجاد و راه‌اندازی کسب و کارهایی که منابع مالی آنها از محل

صندوق‌های اعتبارات خرد (یا صندوق‌های آبادانی و پیشرفت) تامین نمی‌گردد تسهیلات ۲۰-۱۵۰ میلیون تومانی تعلق می‌گیرد.

برخی از اقدامات اجرا شده توسط بنیاد علوی در سطح شهرستان قلعه گنج در راستای اجرای طرح آبادانی و پیشرفت به صورت خلاصه و موردی در قالب فلوجارت‌های زیر آورده شده است:



شکل (۴): برخی از اقدامات اجرا شده توسط بنیاد علوی در سطح شهرستان قلعه گنج

– پیامدها و دستاوردها

(۱) تحول و تغییر در باورها و کردارها:

در طرح آبادانی و پیشرفت در گروه‌های آبادانی و پیشرفت و هم‌اندیشی‌ها، مردم راهکار برون رفت از وضع موجود به سمت وضعیت مطلوب را در درون اندیشه‌ها و افکار و عملکرد خود جستجو می‌کنند. این موضوع هم مربوط به سرنوشت افراد است و هم مربوط به جامعه روستایی. بخشی از این تغییر و تحول را می‌توان در مشارکت حداکثری مردم در صندوق‌های توان‌افزایی خرد و میزان اشتغال ایجاد شده از طریق تسهیلات صندوق‌های آبادانی و پیشرفت روستا مشاهده نمود.

(۲) اعتمادسازی و همدلی:

یکی از پایه‌های آبادانی و پیشرفت در هر جامعه‌ای وجود اعتماد و همدلی بین مردم و مسئولین است. اجرای برنامه‌ها و مشارکت مردم در فضای تردید و بی‌اعتمادی شکل نمی‌گیرد. برای برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی و همبستگی و همچنین توفیق در صندوق‌های آبادانی و پیشرفت که با سرمایه‌های مالی و اندک مردم شکل می‌گیرد، نیازمند اعتماد و باور به برنامه‌های یک نهاد است که ساختارهایش را به گونه‌ای طراحی کرده تا همه امور با اراده و رأی مردم رقم بخورد و کوچک‌ترین ابهام و شبهه‌ای برای خلل در بستر اعتماد مردم به وجود نیآورد. اینکه در یک جامعه روستایی که درصد بالایی از آن زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌باشند بخشی از دارایی خود را به یک صندوق محلی (صندوق‌های آبادانی و پیشرفت) پردازد و پس‌انداز کند در صورتی که به آن احتیاج ضروری دارد، پیامدهای این اعتماد و باور است به گونه‌ای که در روستاهای قلعه گنج طی سه سال فعالیت صندوق‌ها بیش از ۶/۵ میلیارد تومان پس‌انداز کرده‌اند و معادل همین مبلغ هم بنیاد نزد صندوق‌ها سپرده‌گذاری کرده و از محل وجوه پس‌انداز شده در صندوق‌ها و وصول اقساط تسهیلات قرض‌الحسنه بیش از ۱۹ میلیارد تومان به بیش از ۱۲ هزار نفر وام برای اشتغالات کوچک و خانگی و تثبیت و بهبود مشاغل موجود پرداخت شده و جالب توجه این است که معوقات این تسهیلات تا پایان سال ۱۳۹۷، ۳ درصد می‌باشد بدون هیچ‌گونه تضمینی و چک و سفته‌ای و فقط با اعتبار اعتماد فی‌مابین مردم این رویداد بزرگ را به وجود آورده‌اند.

(۳) ارتقاء فرهنگ کار و تلاش و مقابله با پدیده بیکاری:

یکی از چالش‌های عمده در افزایش شاخص بیکاری در کشور ضعف فرهنگ کار و تلاش است. توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان رابطه مستقیمی با میزان کار مفید روزانه شاغلین آن کشور دارد. از دستاوردهای طرح مذکور ارتقاء فرهنگ کار و تلاش در منطقه مذکور است به گونه‌ای که نرخ بیکاری شهرستان به استناد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان در سال ۱۳۹۷ و بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، از ۲۶/۲۸ درصد به ۷/۴۷ درصد رسیده است.

به طور کلی با توجه به ساختارهای طرح آبادانی و پیشرفت جوامع محلی برای مشاغل خانگی و ساده می‌توانند از تسهیلات قرض‌الحسنه صندوق‌های آبادانی و پیشرفت که خود نیز در آن مشارکت دارند استفاده کنند و برای مشاغل سرمایه‌بر و متوسط می‌توانند از تسهیلات یارانه‌دار بانک سینا استفاده کنند. بهره‌گیری از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی و استفاده از تجربیات کارآفرینان موفق در ایجاد اشتغال بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است.

(۴) کاهش اختلافات قومی و محلی و ایجاد فضای محبت و وحدت:

ایجاد گروه‌های آبادانی و پیشرفت با شکل حدود ۱۰-۱۲ خانوار و هم‌اندیشی و مشاوره برای حل مشکلات اعضاء گروه و نهایتاً آرایه راهکار برای حل مشکلات خود و روستا، میدان رقابتی برای مردم روستا به وجود آمده که با تفکر و کار بیشتر، بتوانند رشد بالاتری را داشته باشند؛ بنابراین فضای جوامع روستایی تبدیل به فضای اندیشه و کار و تلاش شده است و مجالی به رشد فضای اختلافات و دشمنی‌ها نمی‌دهد. تسهیل‌گران طرح آبادانی و پیشرفت یکی از موانع پیشبرد طرح را وجود اختلافات می‌دانند و همواره برای ایجاد فضای وحدت، صمیمیت و محبت در روستا تلاش می‌کنند. در شهرستان قلعه گنج فراوانی پرونده‌های دادگستری نسبت به سال قبل از ورود بنیاد و اجرای طرح، کاهش چشم‌گیری را نشان می‌دهد و در مقابل امنیت در ابعاد مختلف افزایش چشم‌گیری داشته است.

- روش پیشنهادی "اداره توسعه بین‌المللی DFID معیشت پایدار" برای شهرستان قلعه گنج

مفهوم معیشت پایدار در سند راهبردی این اداره با نام "اسناد سفید برای توسعه بین‌المللی" در سال ۱۹۹۷ تدوین گردید. هدف اعلام شده این نهاد فقرزدایی در کشورهای در حال توسعه است که از طریق معیشت پایدار قابل حصول است. در نتیجه معیشت پایدار نه یک هدف، بلکه ابزاری برای کاهش فقر تعریف شده است.

این تفکر در حال گسترش به بخش‌های غیر روستایی مانند سیستم‌های برنامه‌ریزی ملی و روش‌های بخشی منطقه‌ای است. همچنین کارگروه‌هایی برای پایش و ارزیابی فعالیت‌ها و فهم بهتر نقش سیاست‌ها و نهادها در چارچوب معیشت پایدار فعالیت می‌کنند.

روش DFID بر پایه شش اصل استوار است:

- مردم محوری: کاهش پایدار فقر تنها زمانی قابل اجرا است که تمامی حمایت‌های خارجی بر روی نیازها و ظرفیت‌های مردم محلی متمرکز شده باشد و استراتژی‌های معیشتی، اقدامات اجتماعی و اقتصادی در راستای افزایش تطابق جامعه محلی با ظرفیت‌های محیطی باشد.

- پاسخ‌گویی و مشارکتی: مردم محلی و اقشار آسیب‌پذیر بازیگران اصلی برای شناسایی اولویت‌های معیشتی هستند و فعالیت‌های بیرونی می‌بایست پاسخ‌گوی نیازهای افراد محلی باشد.

- چند سطحی: کاهش فقر با تاکید بر یک سطح به وقوع نخواهد پیوست. بلکه تنها راه، اطمینان حاصل کردن از موفقیت فعالیت‌ها در سطح خرد، هماهنگی و هم‌افزایی سیاست‌ها و ساختارها در مقیاس کلان کشور می‌باشد.

- همکاری بین‌بخشی: بخش‌های خصوصی و دولتی می‌بایست در فرآیند معیشت پایدار درگیر شده و با یکدیگر هماهنگ باشند.

- پایداری: تعادلی مابین چهار بعد اصلی پایداری یعنی بخش‌های اقتصادی، ساختاری، اجتماعی و محیطی می‌بایست ایجاد گردد.

- پویایی: حامیان غیر بومی باید توجه داشته باشند استراتژی‌های معیشتی ماهیتی پویا و متغیر دارند. راهبردها می‌بایست با شرایط واقعی محلی و تغییرات دراز مدت اجتماعی و اقتصادی تطابق داده شده و تکامل یابند. در نتیجه انعطاف‌پذیری و قبول بازخورد از فرآیند پایش و ارزیابی در موفقیت یک برنامه معیشت پایدار کلیدی است.

در DFID پنج دارایی اصلی شامل سرمایه‌های طبیعی، اجتماعی، فیزیکی، انسانی و مالی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما تأکید دارد که نتایج برنامه بر روی معیشت پایدار و نه خروجی‌های کوتاه مدت، ملاک موفقیت پروژه‌ها می‌باشد. در واقع ارزیابی موفقیت و کارایی نتایج معیشت پایدار نیز به‌تنهایی توسط متخصصین ارزیابی نمی‌گردد. بلکه مشارکت مردمی در پایش و ارزیابی نتایج در کاهش فقر لازم‌الاجرا است. به‌عنوان مثال اگر خروجی پروژه‌ها بر استفاده از فناوری خاصی تعریف شده باشد، تنها در صورتی به عنوان موفقیت تلقی می‌شود که باعث افزایش معیشت پایدار گردد.

همچنین در این روش، همکاری مشترک پروژه‌ها و بخش‌های مختلف، ترویج و تشویق می‌گردد؛ زیرا ممکن است هر پروژه‌ای دارای خروجی‌های خاص خود باشد و به‌تنهایی با وصول خروجی‌ها با موفقیت‌های کوتاه‌مدتی روبرو گردد؛ اما همکاری پروژه و توافق بر روی نتایج مشترک محک بهتری برای موفقیت هر کدام از پروژه‌ها و فعالیت‌ها خواهد بود. همچنین نقطه ورودی به فعالیت‌ها نیز از حالت تک‌بعدی و بخشی خارج خواهد شد. به‌عنوان مثال به‌جای تعریف ارایه اعتبارات به‌عنوان نقطه ورودی، تمهیدات برای کاهش آسیب‌پذیری به شوک‌ها می‌تواند نقطه ورودی بهتری برای فعالیت‌های مالی باشد زیرا امکان هم‌افزایی آن با سایر فعالیت‌های اجتماعی و طبیعی تقویت می‌گردد.

مهم‌ترین اولویت DFID کاهش فقر از طریق معیشت پایدار و مشارکت مردمی است. در نتیجه مناسب جامعه‌ای است که سطوح مختلف فقر در کنار ثروت وجود داشته و نیازمند مکانیزمی باشد که معیشت پایدار را به حرکت در آورده و به وسیله آن فقر نیز کاهش یابد.

این روش برای شهرستان قلعه گنج که سطوح مختلف درآمدی اعم از فقیر، متوسط و ثروتمند حضور دارند مناسب است. همچنین مشارکت مردمی و تصمیم‌گیری از پایین به بالا با لحاظ نمودن سیاست‌های کلان ملی و منطقه‌ای در این روش قابل مدل‌سازی است.

مسایلی مانند ملاحظات محیط‌زیستی از جمله فرسایش خاک، چرای بیش از حد مراتع و مصرف بی‌رویه آب‌های زیرزمینی در کنار معضلات تغییر اقلیم از جمله خشکسالی در ۱۵ سال گذشته و افزایش گرد و غبار در منطقه می‌بایست در مدل پیشنهادی در نظر گرفته شوند. همچنین تأکید بر دانش بومی و تکنولوژی‌های نو می‌تواند راندمان مصرف آب و انرژی را در منطقه کاهش داده و بهره‌وری کشاورزی و دام را افزایش دهد. بعلاوه میزان قابل توجه تابش نور خورشید و

باد غالب محلی منابع مناسبی برای کسب انرژی از طبیعت هستند. در نتیجه بررسی بکارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی و بادی لازم به نظر می‌رسد. در نهایت به علت محدودیت آب کافی و خاک حاصل‌خیز در منطقه توجه به فعالیت‌های غیرکشاورزی در برنامه‌ریزی‌های آتی توصیه می‌گردد.

به‌طور خلاصه روش پیشنهادی برای شهرستان قلعه گنج به شرح ذیل است:

روش معیشت پایدار در شهرستان قلعه گنج = روش DFID + ملاحظات زیست‌محیطی + تغییر اقلیم + انتقال تکنولوژی + انرژی‌های تجدید پذیر کشاورزی + فعالیت‌های غیرکشاورزی.

بحث و نتیجه گیری

همانطور که بیان شد توجه به توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی می‌تواند نقش مهمی در توسعه کشورها ایفا نماید. توسعه کارآفرینی در کشور ضمن فراهم آوردن زمینه رشد و توسعه پایدار، مسائل و مشکلات جاری از جمله فقر، نابسامانی اجتماعی و فرهنگی، بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و معضل انبوه سایر بیکاران را مرتفع خواهد کرد. در واقع، کارآفرینی که به مفهوم کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها به منظور ارزش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است، پایه و اساس توسعه همه‌جانبه محسوب می‌شود. جامعه روستایی نیز از قاعده فوق مستثنا نیست و کارآفرینی در این مناطق می‌تواند برطرف کننده بسیاری از چالش‌ها از جمله بیکاری، درآمد پایین، فقدان تنوع اقتصادی و... باشد. پایین بودن سطح زندگی در نواحی روستایی و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهرها، مسائل متعدد اجتماعی، اقتصادی و محیطی را در این نواحی به دنبال داشته است. سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی برای کاستن از آثار منفی این مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های روستایی در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، در پیش گرفته شد. از اینرو، برنامه‌ریزی روستایی بدین نتیجه رسیده‌اند که تشویق روستاییان برای گرایش به کارهای تجاری به شیوه کارآفرینی مناسبترین راهبرد برای پاسخگویی به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی است. کارآفرینی به منزله یکی از راه‌های مهم ارتقای توسعه مناطق روستایی ظاهر شده است و به همین دلیل راهی برای احیای مجدد روستاها است. در واقع، مشاهده شده است که کارآفرینی و نوآوری نه تنها به ایجاد مشاغل جدید کمک می‌کنند، بلکه به بهبود رقابت اقتصادی، ایجاد رشد اقتصادی و ثروت جدید برای فضای روستایی منجر شده و در نهایت کیفیت زندگی ساکنان محلی را بهبود می‌بخشد. دولت‌های کشورهای در حال توسعه اکنون به این درک رسیده‌اند که هیچ توسعه‌ای معنادار نخواهد بود مگر در مواقعی که جوامع روستایی نیز همراه باشند.

بررسی تجربه‌های موفق داخل و خارج کشور که در بالا به آنها اشاره شده و درس‌های آموخته‌شان نشان می‌دهد که تمرکز به نیروی انسانی، به کارگیری رویکردهای مشارکتی ناحیه محور و اجتماع محور، رهبری محلی و داشتن سازو کار اجرایی، تقریباً در همه بر نامه‌ها استفاده شده است. در این نمونه‌های موفق دولت در زمینه‌های مختلف به صورت مشارکتی و حمایت‌گرانه مداخله کرده است که می‌توان به حمایت از آموزش و توانمندسازی، حمایت از بازار و فروش محصولات روستایی، حمایت از تامین مالی در قالب تامین مالی خرد و تعاونی‌های روستایی اشاره کرد. همچنین

شناسایی ظرفیت‌های محلی از جمله محصولات و خدمات مزیت‌دار و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر همچون زنان مورد توجه بوده است.

در این نمونه‌های موفق مشخص است که مداخله‌های دولتی عمدتاً جامع و بسته به نیازها در بخش‌های مختلفی صورت گرفته است و اینگونه نبوده است که تنها بر یک بخش مثل تامین مالی تمرکز شود. با این حال در این نوع مداخلات یا کاملاً پایین به بالا بوده و یا اینکه دوسویه بوده است یعنی به صورت پایین به بالا اقدامات انجام شده و حمایت‌های دولتی به صورت بالا به پایین نیز مورد توجه بوده است.

منابع

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، سجاسی قیداری، حمداله (۱۳۸۹). توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات). تهران: سمت.

پاسبان، فاطمه (۱۳۸۵). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳). فصلنامه اقتصاد و توسعه کشاورزی. ۱۴(۵۳): ۱۵۳-۱۷۶.

حسینی، سیدنبی‌اله (۱۳۸۶). کارآفرینی روستایی، ضرورت استراتژیک توسعه، روزنامه تفاهم ۰۴/۰۶/۱۳۸۶
 خاتون آبادی، سیداحمد، انداده، غلامرضا (۱۳۸۸). بررسی موفقیت کارآفرینان روستایی استان اصفهان با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندپاره و تحلیل عاملی. فصلنامه اقتصاد و توسعه کشاورزی، دوره ۲۳(ش.۲): ۱-۱۱.

دادورخانی، فضیله، رضوانی، محمدرضا، امین قشالق، ساوش و بهروز جهرمی، خدیجه (۱۳۹۰). تحلیل نقشه گردشگری در توسعه ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی (مطالعه موردی: روستای کندوان و اسکندان شهرستان اسکو)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸: ۲۳-۴۷.

رضوانی، محمدرضا، محمدنجارزاده (۱۳۸۷) بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان برآآن جنوبی (شهرستان اصفهان). فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول (ش.۲): ۱۶۱-۱۸۲.

ریحانی بزرگ، غلامرضا (۱۳۸۸). کارآفرینی از ننگه دیگر، نقدی بر عملیات ترویج روحیه کارآفرینی انفرادی با ذکر معایب و پیشنهاد رویکرد به گسترش کارآفرینی گروهی با ذکر مزیت‌ها. تهاون، ش. ۲۰۰-۲۰۱: ۷۵-۹۱.

شریفی، امید، حاتمی، یعقوب، شریفی، حمید (۱۳۸۶). روستا، توسعه، کارآفرینی. رویش، دوره ۵(۱۶-۱۷): ۵۵-۶۴.
 طرح آبادانی و پیشرفت شهرستان قلعه گنج براساس رویکرد معیشت پایدار. شرکت اسکان ایران (بنیاد علوی).

گزارش کارشناسی گروه توسعه روستایی، امور برنامه‌ریزی، نظارت و آمایش سرزمین ۱۳۹۶
 مهندسین مشاور چشم‌انداز توسعه سرزمین - جایگاه روستا در برنامه‌های کلان توسعه مطالعات جغرافیایی و برنامه ریزی فضایی - ۱۳۹۶.

میرزامینی، محمدرضا (۱۳۸۳). راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی روستایی، اندیشگاه شریف.

- Adewumi, S. A. (2020). Challenges and prospects of rural entrepreneurship: a discourse analysis of selected local government areas of Osun state, Nigeria. *Int J Bus Manag Stud*, 12(2), 544-560.
- Das, D. C. (2014). Prospects and challenges of rural entrepreneurship development in NER-A study. *International Journal of Humanities & Social Science Studies*, 1(3), 178-182.
- Heritot, K. (2002). A New approach to Rural Entrepreneurship a Case Study of Two Rural Electronic Cooperatives. Western Kentucky University and Noel D. Campbell, North Georgia College & State University.
- Levitas, R. (2000). Community, utopia, and new labor. *Local Economy*, 15(3).
- Petrin, T., & Gannon, A. (1997). Rural development through entrepreneurship. Rome: REU Series Technical (FAO).
- Saxena, S. (2012). Problems faced by rural entrepreneurs and remedies to solve it. *IOSR Journal of Business and Management*, 3(1), 23-9. doi: 10.9790/487x-0312329.
- Sylvester., G. (2015). Success Stories on Information and Communication Technologies for Agriculture and Rural Development, Food and Agriculture Organization of the United Nations Regional Office for Asia and the Pacific Bangkok.
- Wortman, M.S. (1990). Rural entrepreneurship research. Integration in to the entrepreneurship field. *Agribusiness*, 6(4), 329-344.

